

علیه رژیـم زنـستیز یکـسره فریاد شویم



پیام صوتی نرگس محمدی از زندان به مردم ایران

نرگس محمدی، فعال حقوق بشر محبوس در زندان اوین با ارسال پیامی گفت حکومت جمهوری اسلامی از سر استیصال، جنگی تمام عیار علیه تمام زنان را به همه خیابان‌های کشور کشانده است. خانم محمدی در این پیام که روز یکشنبه دوم اردیبهشت ارسال کرده است به بازداشت دینا قالیباف اشاره کرده و گفته « یک ساعت پیش یکی دیگر از دختران ایران، دینا قالیباف، با تن کبود و روایت آزار جنسی وارد بند زنان زندان اوین شد.»

نرگس محمدی در پیام خود گفته است: « ما سالهاست شاهد روایت زنانی هستیم که تعرض، آزار و ضرب و شتم توسط ماموران حکومت را از سر گذرانده‌اند؛ اما امروز حکومت دینی استبدادی نه از موضع قدرت بلکه از سر استیصال، جنگ تمام عیاری علیه تمام زنان را به همه خیابان‌های کشور کشانده است.»

برنده زندانی حایزه نوبل صلح در پیام خود ادامه داده است: «ما زنان در این جنگ بی‌امان یا با کشته شدنمان، این جنگ را متوقف خواهیم کرد یا مردم ایران و جهان به یاری ما به پا خواهند خواست، تا بتوانیم با زندگی کردن و صلح این جنگ را متوقف کنیم و رژیـم زن ستیز را وادار به عقب نشینی کنیم.»

نرگس محمدی در پیام خود خواهان اعتراض سراسری و گسترده مردم

علیه سیاست سرکوب جمهوری اسلامی علیه زنان شده است: «مردم آگاه ایران من از تک تک شما و تمام اقشار، اصناف، هنرمندان، روشنفکران، کارگران، معلمان و دانشجویان در داخل و خارج از کشور می‌خواهم علیه جنگ، تعرض، تجاوز و ضرب و شتم زنان، یکسره فریاد شویم. از جهان و جهانیان می‌خواهم این جنگ وحشیانه بی‌امان را که جلوه بد هیبت و مضمئزکننده آپارتاید جنسیتی است را متوقف کنید؛ اما سخنی با زنان سربلند کشور ایران دارم.»

او خطاب به زنان ایران نیز گفت: «ای زنان سربلند ایران حکومت مستبد بیرحم تصور می‌کرد با تعرض، تجاوز و هتک حرمت زنان، ما را می‌ترساند و وادار به عقب نشینی می‌کند اما شما، شما زنان بی‌نام‌ونشان و گمنام از سیستان و بلوچستان تا کردستان و از خوزستان تا آذربایجان و تهران و هر نقطه در کشور ایران عقب ننشستید بلکه حکومت را عقب نشانید. ما زنان مقاومت را در هر لحظه از زندگی‌مان در هر مکانی زیر چکمه‌های استبداد در زندان و خیابان زندگی می‌کنیم.»

خانم محمدی در پایان با تاکید بر اینکه روایتهای زنان ایران «حکومت زن ستیز را رسوا خواهد کرد و بر زمین خواهد کوفت» از زنان ایران خواسته است روایت‌هایشان را از بازداشت، تعرض، آزار، تحقیر، ضرب و شتم و تجاوز به صفحه اینستاگرام او ارسال کنند.

[لینک به نوار صوتی](#)



مجموعه متن برگرفته از سایت گویا نیوز - 21 آوریل 2024

متن پیام نرگس محمدی برنده
جایزه صلح نوبل ۲۰۲۳



□□ "□□□□" □□□□ □□ □□□□ □□□□ □□□□ □□□□ □□□□ □□
 □ □□□□ □□□□□□□□ □□□□ □□□□ □□ □□□□ □□ □□□□

[illegible]

ارائه شده توسط کیانا و علی رحمانی
اسلو، ۱۰ دسامبر ۲۰۲۳

۱ علا حضرتین،
۲ والا حضرتان،

عالیجنابان،
اعضای محترم کمیته صلح نوبل نروژ،
خانم‌ها و آقایان

از ریاست و اعضای محترم کمیته‌ی نوبل صلح سپاسگزارم که با اعطای جایزه‌ی معتبر و پرافتخار صلح نوبل از جنبش باشکوه "زن، زندگی، آزادی" و از یک زن زندانی مدافع حقوق بشر و دموکراسی‌خواه، حمایت معنادار و پرقدرتی کردید. یقین دارم تأثیر تردیدناپذیر جایزه صلح نوبل بر جنبش پرقدرت اخیر ایرانیان برای صلح، آزادی و دموکراسی، بیش از فزونی قدرت مبارزه و مقاومت فردی من خواهد بود و این برای من امیدآفرین و شورانگیز است.

من یکی از میلیون‌ها زن سربلند و مقاوم ایرانی‌ام که برای رفع ستم، سرکوب، تبعیض و استبداد به پا خاسته‌اند. یاد می‌کنم از زنان بی‌نام و نشانی که در حوزه‌های گسترده‌ی سرکوب بی‌امان، جسورانه مقاومت و در واقع مقاومت را زندگی کرده‌اند.

این پیام را از پشت دیوارهای بلند و سرد زندان می‌نویسم. من یک زن خاورمیانه‌ای‌ام. خاورمیانه‌ای که گرچه از سابقه تمدنی بسیار غنی برخوردار بوده، اما اکنون در میان جنگ، آتش تروریسم و بنیادگرایی گرفتار شده است. من یک زن ایرانی‌ام. ایرانی تمدن ساز و پرافتخار که امروز تحت ظلم بی‌امان حکومت دینی استبدادی زن‌ستیز است. من زنی زندانی‌ام که در تحمل رنج‌های عمیق و جان‌کاه ناشی از فقدان آزادی، برابری و دموکراسی، به ضرورت وجود آن‌ها پی برده و ایمان یافته‌ام.

در میان شعله‌های خشونت و در قدرت‌یابی و تداوم استبداد، سال‌هاست مسئله ما، پیش و بیش از ارتقاء "کیفیت زندگی"، اساساً امکان "زنده ماندن"، "بقاء" و "زندگی کردن" شده است.

در چنین وضعیتی "حیات برهنه" انسان، بی‌هیچ حایل و سپری در مقابل قدرت سرکش حکومت‌های استبدادی قرار می‌گیرد و در مقابل همه چیز، بی‌پناه می‌ماند.

در دنیای کنونی فرق معنادار و شکاف بزرگ و بی‌گانه‌کننده‌ای بین این دو وضعیت وجود دارد.

ما در تقلای "زنده" ما ندنیم.

این "واقعیت زندگی" ماست. ما مبارزه را زندگی می‌کنیم و آگاهانه و داوطلبانه گام به راهی می‌گذاریم که شاید جان سالم به در ببریم.

استبداد، شرارتی پایان‌ناپذیر و بی‌حد و مرز است که سایه‌ی شومش را دیرزمانی است که بر سر میلیون‌ها انسان آوار کرده‌است. استبداد، زندگی را به مرگ، موهبت را به حسرت و آسایش را به عذاب تبدیل می‌کند. استبداد ذایل‌کننده‌ی "انسانیت"، "اراده" و "شرافت" انسان است. "استبداد" روی دیگر سکه‌ی "جنگ" است. شدت ویرانگری و انهدام هر دو هولناک است. یکی مستقیم با شعله‌های ویرانگر آتش که قابل رؤیت است و دیگری موزیانه و فریبکارانه "انسان" را پاره پاره می‌کند. جان دادنِ "انسان" در دالان‌های "وحشت" و ناامنی استبداد، چون جان دادن پرهراس یک انسان بی‌پناه زیر آتش موشک و گلوله است.

"استبداد" و "جنگ"، فزون‌بخش "قربانی" است. قربانیان "استبداد" و "جنگ" فقط جان‌باختگان نیستند. هر دو، "انسانیت" و "شرافت" بازماندگان، ناظران و سکوت‌کنندگان را به چالش می‌کشند و کیست که ادعا کند در این معرکه، "انسان" باقی می‌ماند؟

"مردم"، عنصر تعیین‌کننده معادله دموکراسی در ایران

حضار محترم

با این مقدمه، می‌خواهم به لحظه‌ی اعلام جایزه نوبل صلح و پژواک طنین صدای خانم اندرسون برگردم. به شعار زیبا و پرمحتوای جنبش مردم ایران؛ "زن، زندگی، آزادی".

جمله‌ی آغازین جایزه صلح نوبل من، نام جنبش مردم ایران بود و نقطه‌ی اتکاء و مرکز ثقل تحلیل و راهبرد من نیز "مردم" و "جامعه" است.

معادله‌ی پیچیده‌ی تغییرات و تحولات بنیادینِ معطوف به تحقق دموکراسی، آزادی و برابری در ایران، تابعی از عنصر تعیین‌کننده‌ی "مردم" است، گرچه پارامترهای ثابت و متغیر دیگری نیز ضرورتاً در این معادله نقش ایفا می‌کنند که تأثیرگذارند و نباید از نظر دور نگه داشته شوند.

مردم ایران برای تحقق دموکراسی، آزادی و برابری تلاش کرده‌اند. آنان برای تحقق این مطالبات همواره بر اعتراضات خشونت پرهیز و مقاومت مدنی تاکید و از هر فرصت و امکانی برای ساختن جامعه‌ای سرسار از صلح، رفاه و توسعه بهره گرفته‌اند. اما جهان شاهد است که حکومت سرسختانه و بیرحمانه با سرکوب، کشتار، اعدام و زندان در مقابل خواسته‌ها و مطالبات مدنی، آزادی‌خواهانه و برابری‌طلبانه مردم ایستاده است. دموکراسی به واسطه‌ی ظرفیتی که برای تحقق آزادی و برابری در دل خود دارد، مطالبه‌ی بنیادین جامعه ایران بوده و قریب به اتفاق جامعه مدنی، خواهان تغییرات بنیادین و گذار به دموکراسی به‌عنوان مولفه نظام سیاسی آینده ایران هستند.

جمهوری اسلامی؛ حکومت دینی استبدادی و زن‌ستیز

جمهوری اسلامی در عرصه‌ی سیاسی، راه هرگونه تحرک سیاسی را در جامعه مسدود کرده و ساختارهای فرصت‌های سیاسی را محدود و حوزه‌های کنش‌های جمعی و فردی را سرکوب می‌کند. جمهوری اسلامی اساساً با پاسخگویی به "مردم" بیگانه است.

انتخابات و صندوق‌های رأی به دلیل رویکرد متحجرانه، ساختار متصلب، قوانین غیردموکراتیک و مکانیزم و رویه‌های غیرشفاف و متقلبانه، برای اکثریت مردم ایران موضوعیتی ندارد. جمهوری اسلامی ضریب امکان مشارکت سیاسی را ضرب در صفر کرده و سازمان‌های مدنی مستقل را به شدت سرکوب می‌کند و تلاش می‌کند تا هیچ فضای آزادی را به معنای حوزه‌ای خارج از دخالت و نظارت خود باقی نگذارد. حکومت، "تبعیض" بر اساس "دین"، "جنسیت" و "قومیت" را به طور هدفمند و سیستماتیک به منظور فرودستی "دگر" ها در دستور کار خود قرار می‌دهد.

در عرصه‌ی قضایی باید به صراحت اعلان کنم که قوه‌ی قضائیه جمهوری اسلامی، مظهر بی‌عدالتی و ظلم و عامل نقض حقوق بشر است، استقلال قوه‌ی قضائیه امری محال است، چرا که ریاست این قوه، منصوب مستقیم ولی فقیه و دادگاه‌های انقلاب، تحت سلطه‌ی نهادهای امنیتی و نظامی‌اند. آنچه در این سیستم قضایی مجال تحقق نمی‌یابد، "عدالت" است.

همچنین حکومت در عرصه‌ی فرهنگی تلاش کرده تا با هزینه‌های گزاف، ماشین ایدئولوژی و سازمان‌های تبلیغاتی را سر پا نگه دارد تا به

جامعه‌پذیری ایدئولوژیکی و تبلیغات گسترده دائمی بپردازد و با سانسور، حذف کامل رسانه‌های مستقل، کنترل و سرکوب، فرهنگ واقعی جامعه را به مهمیز کشد. با این‌همه ماشین ایدئولوژی حکومت کارکرد خود را از دست داده و افکار عمومی مشروعیت حکومت را به چالش کشیده است.

در عرصه اقتصادی نظام حامی پرور(رانتیر)، رفاقت سالار (کرونیستی) و غارتی با واگذاری انحصارات و امتیازات ویژه به گروه های وفادار به خود، حوزه اقتصاد را بدل به عرصه غارت و سرکوب کرده است. فساد افسارگسیخته سیستماتیک، ناکارآمدی و سوءمدیریت، اختلاس و غارت اموال و ذخایر عمومی، جامعه را دچار فقر، نابرابری های عمیق، بی‌کاری و دیگر نابسامانی‌ها کرده که تبعات سنگین این سیاست‌ها، "زیست انسانی" مردم و "شان" و "منزلت" انسانی آنها را در معرض "فروپاشی" و "انهدام" قرار داده‌است. پاسخ رژیم در برابر معترضان همواره پرونده سازی، دستگیری، زندان و گلوله بوده است. آبان ۹۸ شاهدی بر این مدعا است.

می‌خواهم اجمالاً تأکید کنم که جمهوری اسلامی بسیاری از حقوق مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاقین را در همه ابعاد زندگی مردم اعم از سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست محیطی به مخاطره افکنده است.

جنبش "زن، زندگی، آزادی"؛ شتاب‌بخش فرایند دموکراسی

در چنین شرایطی است که جنبش فراگیر "زن، زندگی، آزادی" در امتداد مبارزات تاریخی، با عاملیت "زنان" ایران، پس از کشته شدن مهسا - ژینا امینی شکل گرفت و با حمایت گسترده مردان و جوانان جامعه همراه شد.

در چنین بستری مردم ایران به ویژه "زنان" در ستیز رو در رو با رژیم دینی استبدادی، توان و امکان به چالش کشیدن الگوهای فرهنگی و نهادی را کسب کرده‌اند و به قدرتی تأثیرگذار در "مبارزه" و "مقاومت" و ترسیم چشم‌انداز دولت و دموکراسی در آینده‌ی ایران تبدیل شده‌اند.

زنان، این موقعیت تأثیرگذار را به موجب ۴۵ سال تجربه‌ی تبعیض و ستم در تمام عرصه‌های خصوصی و عمومی و "آپارتاید جنسی و جنسیتی"

و متقابلاً مقاومت‌های خستگی‌ناپذیرشان به دست آورده‌اند.

جنبش "زن، زندگی، آزادی" با ایده‌ی سترگ و فراگیر "گذار از استبداد دینی"، فرایند تحقق دموکراسی، آزادی و برابری را در ایران شتاب داد و مطالبات تاریخی مردم ایران را وضوح و معنا بخشید. این جنبش در تداوم جنبش‌ها و خیزش‌های زنان، جوانان، دانشجویان، معلمان، کارگران، حقوق بشر، محیط زیست و ... به بسط مقاومت مدنی مردم ایران کمک شایان توجهی کرد. این جنبش ماهیتاً "تغییرمحور" و اساساً "زندگی بنیاد" است.

این جنبش به منزله‌ی "بسطی از سیاست‌های ستیز" (contentious politics) متکی بر سیر مبارزات مدنی، جنبش‌های اجتماعی و تلاش خستگی‌ناپذیر مردم برای تحقق "جامعه مدنی" است. گرچه در حال حاضر تحت شدیدترین سرکوب‌های حکومت قرار دارد، اما زنده و پویا است.

تشدید سرکوب زنان به موجب "حجاب اجباری" ننگین حکومتی، ما را دچار "انفعال" یا "انطباق" نخواهد کرد، چرا که باور داریم "حجاب اجباری" از سوی حکومت، نه فریضه‌ای دینی و الگویی فرهنگی، بلکه به منظور جریان و شریان عنصر "سلطه" و "تسلیم" در رگ و پی کل جامعه بوده و "لغو حجاب اجباری" به منزله لغو تمام شقوق سلطه و شکستن سرکوب استبداد دینی است.

واقعیت این است که رژیم جمهوری اسلامی در نازل‌ترین سطح مشروعیت و پایگاه اجتماعی مردمی و در موقعیت "تعادل ناپایدار" قرار دارد و ظهور هر عنصری به عنوان کاتالیزور، شکل نهایی سیاست‌های ستیز و "گذار از استبداد دینی" را رقم خواهد زد. چرا که باور به "دموکراسی" و "حقوق بشر" صرفاً امور محصور در "زیست ذهنی" روشنفکران ایران نیست، بلکه کنش‌های جمعی و فردی پردامنه‌ای را در کل جامعه رقم زده است.

راهبرد تقویت جامعه‌ی مدنی و تضمین حقوق بشر در ایران

حضار محترم

جنبش قدرتمند و فراگیر مردم ایران برای به ثمر نشستن، نیاز به رشد، گسترش و قدرتیابی سارمان‌های جامعه مدنی و توسعه ساختار شبکه‌ای برای بسیج نیروهای جنبش دارد.

از سویی دیگر "جامعه‌ی مدنی" جان‌مایه‌ی "دموکراسی" است و بدون "جامعه‌ی مدنی" قدرتمند، آینده‌ی "دموکراسی" در ایران تضمین نخواهد شد. جامعه‌ی مدنی ایران از تجارب تاریخی ارزشمندی برخوردار است و علیرغم سرکوب شدید و بی‌امان حکومت، به اشکال مختلف به بقای خود ادامه داده‌است و اکنون زمان "تقویت" و "حمایت" گسترده جامعه مدنی بین‌المللی از "جامعه‌ی مدنی" ایران فرا رسیده و من تمام تلاش خود را در این خصوص به کار خواهم گرفت.

تحقق "دموکراسی" مستلزم تحقق "حقوق بشر" است. "حقوق بشر" به سطح آگاهی تاریخی مردم ایران رسیده و سرفصل فعالیت بسیاری از جنبش‌ها، جریان‌ات و گروه‌هاست و ظرفیت و توان ایجاد همبستگی و ائتلاف‌های گسترده‌ی ملی را پیدا کرده است.

همراهی افکار عمومی جهان از طریق "رسانه‌های" معتبر جهانی بی‌تردید اثرات جدی در تداوم و تقویت جنبش دموکراتیک مردم ایران خواهد داشت.

حضار محترم

بی‌گمان مردم ایران به مبارزه ادامه خواهند داد، اما در دنیای جهانی شده‌ی کنونی، نقش دولتها، جامعه مدنی جهانی، از جمله سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی، رسانه‌ها و سازمان‌های مدنی مستقل و غیر دولتی انکار ناپذیر است.

من عمیقاً از حمایت نهادهای بین‌المللی حقوق بشری، همینطور سازمان‌های مدنی زنان، هنرمندان، انجمن جهانی قلم، نویسندگان و روشنفکران و رسانه‌های جهانی برای حمایت‌های تأثیرگذارشان از جنبش "زن، زندگی، آزادی" سپاسگزارم.

اما واقعیت این است که دولتها و سازمان ملل آن‌چنان که ضروری و سزاوار می‌نمود، اهتمام جدی، انسجام عملی و رویکردی پیش‌برنده برای حمایت معطوف به پیروزی مردم ایران نداشته‌اند. سیاست‌ها و راهبردهای دولتهای غربی سطحی‌تر از آن بوده که با اصالت بخشی به اراده‌ی مردم ایران برای رسیدن به اهدافشان، دموکراسی را در این نقطه از جهان ممکن‌تر و صلح را تضمین نمایند.

حقوق بشر در خلأ اتفاق نمی‌افتد، حال آن‌که حقوق بشر در کشور ایران تحت فشارهای چندجانبه نیروهای قدرتمند سرکوبگر قرار دارد و دولتهای غربی نمی‌بایست با اتخاذ راهبردهای سرگردان معطوف به

استمرار حکومت جمهوری اسلامی، دموکراسی و حقوق بشر را به تأخیر اندازند و انتظار می رود جامعه مدنی جهانی حمایت های جدی تری از تلاش مردم ایران برای گذار دموکراتیک و خشونت پرهیز برای دستیابی به صلح و دموکراسی و حقوق بشر انجام دهند.

راهبرد شکل‌گیری اراده و انسجام بین‌المللی

حضار محترم

به رسمیت شناخته شدن حق "حاکمیت ملی" و "حق تعیین سرنوشت" مردم و ملل پس از هزینه‌های سنگین جنگ‌ها، قابل احترام، بسیار موقر، سرفصل جدیدی برای زیست بشر و پیشرفت بزرگی برای محافظت از صلح بوده است، اما جهان شاهد است و تاریخ گواهی می‌دهد که مسئله‌ی "تجاوز" و "تعرض" حاکمان به "حقوق اساسی مردم" خودشان، مسئله‌ای بزرگ و حل‌نشده باقی مانده و صلح پایدار جهانی را به مخاطره افکنده و بشریت از آن رنج می‌برد.

تصویب اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر در سازمان ملل و سازوکارهای موجود، معاهدات و دادگاه‌های بین‌المللی و اروپایی نیز نتوانسته‌اند مانع افسارگسیختگی سرکوب وحشیانه، انهدام زندگی، تجاوز به حقوق بنیادین مردم، شکنجه، اعمال تبعیض و ستم حاکمان بر مردم بی‌پناه‌شان شوند. در جهان کنونی، اقتصاد، دین و دولت-ملت‌ها از نهادهای قدرتمند تاریخی برخوردارند و نهاد تازه‌جان‌یافته‌ی حقوق بشر از سوی نهادهای قدتمند تحت فشار قرار گرفته‌است.

جهان شاهد است که هیچ سندی به اندازه‌ی اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر، نقض نشده است. راهکار چیست؟ آیا زمان آن فرا نرسیده تا جهان اراده و اهتمام کند که با یکپارچگی و انسجام راه حلی بیابد؟

به باور من جهانی شدن صلح و حقوق بشر، مقدم و کارسازتر از جهانی شدن هر امر دیگری است.

واقعیت این است که تبعات و پیامدهای نقض حقوق بشر که بهای ابقاء حکومت‌های اقتدارگرا است، در داخل مرزهای جغرافیایی نمی‌ماند و تبعات سنگین و جبران‌ناپذیر مهاجرت، آوارگی، بروز جنگ‌ها، آشوب‌ها، مداخلات نظامی و ایجاد بستر مناسب برای رشد گروه‌های تروریستی و بنیادگرایی، چون تبعات پهن دامنه‌ی جنگ بین کشورها، به کل جهان سرایت می‌کند.

به نظر میرسد در دنیای جهانی شده، یا "حقوق بشر" جهانی خواهد شد، یا پیامدهای "نقض حقوق بشر". من به سهم خود در کنار تلاشگران و مدافعان حقوق بشر برای جهانی شدن حقوق بشر تلاش خواهم کرد.

حضار محترم

من در کنار استاد و همکار عزیزم سرکار خانم شیرین عبادی دومین دریافت‌کننده‌ی مدال نوبل صلح از کشور سربلند ایرانم. ایران تمدنی کهن و پر افتخار دارد و همواره در تقای بالندگی و بهروزی بوده‌است. ما وارثان این تمدن و تقلاييم.

تاریخ و میراث فرهنگی و تمدنی گذشته، تنها پیوند ما نیست، آینده نیز ما را در کنار و تکیه‌گاه هم قرار داده‌است. ما در تقلاي دموکراسی و حقوق بشريم و این از مردمانی سخت‌کوش و مقاوم که پیش‌تاز مشروط کردن قدرت دولت، آزادی‌خواهی و عدالت‌طلبی در منطقه بوده‌اند، امری غریب نیست.

عنصر پایدار و روزافزون "مقاومت" و "مبارزه" در ترکیب و بافت تاریخ، فرهنگ و باورهای مردم ایران، قدرتمند و تأثیرگذار بوده‌است.

مقاومتِ امروز مردم از اقوام، مذاهب، عقاید، رویکردهای سیاسی مختلف و در جغرافیای فراگیر ایران طی سالیان گذشته ستودنی است.

جنبش "زن، زندگی، آزادی"، وارث و وامدار همه این سال‌ها مقاومت با استراتژی گوناگون است. از اعتراضات فراگیر و خونین مردم به انتخابات فرمایشی و متقلبانه ۸۸، دی ماه ۹۶ تا اعتراضات "آب"، از آبان خونین ۹۸ تا اعتراض به سرنگونی هواپیمای اوکراینی و اعتراضات مستمر معلمان، کارگران، بازنشسته گان و دیگرگروه‌های اجتماعی.

این روزها سبک زندگی، بستر مقاومت روزمره جوانانی است که خیابان و عرصه عمومی را به فضایی برای مقاومت مدنی فراگیر تبدیل کرده‌اند. مقاومت، زنده و مبارزه پا برجاست.

مقاومتِ مداوم و خشونت‌پرهیز بس سترگ است. این همان راه دشواری است که ایرانیان به اتکای آگاهی تاریخی و اراده‌ی جمعی خود تا امروز پیموده‌اند. مردم ایران با استمرار، انسداد و استبداد را ویران خواهند کرد. تردید نکنید، این امر قطعی است. من در کنار

جامعه مدنی، زنان و مردان مقاوم و شجاع ایران با امید و اشتیاق دست تمام نیروها، جریان‌ات و افراد با محوریت پایبندی به صلح، میثاق جهانی حقوق بشر و دموکراسی را می‌فشارم.

یقین دارم نور آزادی و عدالت با قدرت به سرزمین ایران تابانده خواهد شد. در آن بزنگاه، پیروزی دموکراسی و حقوق بشر را بر استبداد و اقتدارگرایی جشن خواهیم گرفت و پژواک سرود پیروزی مردم در خیابان‌های ایران در سراسر جهان طنین انداز خواهد شد.

نرگس محمدی/ اوین- آذر ۱۴۰۲

گذار از نظام، خواست مردم ایران است



پیام نرگس محمدی به اتحادیه اروپا از زندان

ریاست و نماینده‌گان محترم پارلمان اروپا، بروکسل

از اینکه چنین فرصتی را برای شنیدن صدای من به عنوان فعال حقوق بشر فراهم آورده‌اید، خرسند و سپاسگزارم. آنچه این روزها جهان شاهد آن است، اعلام‌گذار مردم ایران از نظام جمهوری اسلامی می‌باشد که بارها تأکید کرده‌ام این نظام، استبدادی دینی و زن‌ستیز است، و من با آن مبارزه می‌کنم.

ابتدا می‌خواهم تأکید کنم که صدای مرا به عنوان یک فعال حقوق بشر و زنی می‌شنوید که از بدو ورود به دانشگاه یعنی از ۲۹ سال پیش تاکنون در عرصه فعالیت دانشجویی، زنان و حقوق بشر در جامعه مدنی در ۱۲ نهاد مدنی فعالیت کرده، و به موجب فعالیت مدنی خشونت‌پرهیز تاکنون ۱۳ بار بازداشت، و در ۵ دادگاه در مجموع به ۳۴ سال زندان و ۱۵۴ ضربه شلاق محکوم شده‌ام، و تا کنون هفت سال زندان کشیده و هشت سال و نیم دیگر را هم باید تحمل زندان کنم.

اکنون در زندان هستم، و ذره‌ای احساس پشیمانی و تردید ندارم، بلکه با شدت اشتیاق و امید و سرزندگی در داخل ایران به مبارزه ادامه می‌دهم، و یقین دارم که پیروز خواهیم شد. ما در گذار از جمهوری اسلامی به دنبال تحقق نظامی هستیم که منزلت انسان و حقوق بشر تحقق یابد و این ممکن نخواهد شد مگر اینکه استبداد به هر شکل آن در این سرزمین برای همیشه پایان یابد.

قطعا شما نیز بر این باورید که برای تحقق و استحکام دموکراسی، تحقق جامعه مدنی، و تضمین حقوق بشر، امری الزامی است. جهان نمی‌تواند تردید کند که مردم ایران برای تحقق دموکراسی و دستیابی به زندگی انسانی از هر ابزار، راه و تحرک اجتماعی-سیاسی- مدنی استفاده کردند و هزینه‌های سنگینی پرداختند. اما حکومت سرسختانه در مقابل مطالبات به حق مردم دست به سرکوب و خشونت و کشتار زد، و متأسفانه بسیاری از دولت‌های جهان بی‌اعتنا نسبت به حقوق و خواست مردم، به تأمین منافع اقتصادی خود

پرداخته و حقوق بشر به عنوان امری دست چندی در مواجهه با نظام ج.ا.ا تلقی شده است. درحالیکه حمایت پایدار دولت‌ها مطابق قوانین حقوق بشری می‌توانست و هم اکنون می‌تواند پشتوانه حرکت مردم برای شکست استبداد و تحقق آزادی و دموکراسی باشد.

بر این اساس، نکاتی را برای حمایت پارلمان محترم اروپا بیان می‌کنم:

۱. اصالت و مشخصه "گذار از نظام"، خواست و اراده مردم ایران است؛ پس ضروری است که در اتخاذ هر تصمیمی، رویکرد اعمال فشار حداکثری به حکومت برای تحقق و استحکام جامعه مدنی و تضمینی حقوق بشر را داشته باشند.

۲. هم در شرایط گذار که مردم متحمل هزینه‌های سنگینی می‌شوند، و هم برای پیریزی حکومتی بر مبنای دموکراسی، جامعه نیازمند نهادهای مدنی مستقل حقوق بشری است.

۳. آزادی زندانیان سیاسی و فعالیت مدنی مبارزان جنبش‌های اجتماعی امری مهم و تأثیرگذار است.

۴. حمایت ویژه از زنان مبارز ایران برای تحقق حقوق تضییع شده زنان و نقش بسیار مهم آنها در دوران گذار و پس از آن برای تحقق دموکراسی و حقوق بشر امری ضروری است.

در پایان با دلی سرشار از امید و سرزندگی و عشق پیروزی و باور به خیزش اعتراضی قدرتمند مردمی و جنبش‌های اجتماعی ریشه‌دار در ایران، از تکتک شما نمایندگان محترم تقاضا و انتظار حمایت، همراهی، و همبستگی دارم.

امیدوارم با مبارزه با استبداد و تحقق دموکراسی در ایران، روزی در کنار یکدیگر و دست‌درست هم برای صلح جهانی متحد و یکپارچه شویم.

آن روز فرا خواهد رسید.

نرگس محمدی

زندان اوین، ۱۶ مهر ۱۴۰۲

نرگس محمدی: برنده‌ی جایزه صلح نوبل در سال 2023



جنبش جمهوریخواهان دموکرات و لائیک ایران، اعطای
جایزه صلح نوبل به نرگس محمدی، زن مبارز مدافع
حقوق بشر، آزادی و دموکراسی در ایران را به مردم
جهان و ایران تبریک می‌گوید.

روزنامه‌ی فرانسوی لوموند در شماره‌ی 6 اکتبر 2023، نامه‌ای را به قلم نرگس محمدی بازنشر داده که در ژوئن گذشته در همین روزنامه منتشر شده بود.

در این نامه که از زندان اوین فرستاده شده، نرگس محمدی خطاب به خوانندگان‌ش گفته است: "انتشار همین نامه [در روزنامه] لوموند نشان می‌دهد که صدای ما زنان آنقدر قدرتمند بوده که به گوش شما نیز رسیده است. پس شما نیز صدای ما باشید و پیام امید ما را به گوش دیگران برسانید. به جهانیان بگویید که ما بی دلیل پشت این دیوارهای [حصر و سرکوب] نیستیم و اکنون قوئی تر از جلادان‌مان شده ایم که برای خاموش کردن جامعه ما از به‌کارگیری هیچ وسیله‌ای فروگذار نیستند. این صدا در جهان طنین خواهد انداخت."

در نامه اش که ۹ ماه پس از خیزش "زن، زندگی، آزادی" نوشته شده، نرگس محمدی با اشاره به همین خیزش گفته است: "آیا صدای ترک خوردن دیوار ترس در ایران را می شنوید؟ بزودی صدای فروپاشیدن این دیوار را به یاری اراده، قدرت و عزم خدشه‌ناپذیر مردم ایران خواهید شنید."

نرگس محمدی سپس با اشاره به فرهنگ پدرسالار، قدرت مذهبی و تمامیت‌خواه حاکم بر کشور گفته است که این حکومت نسل‌های پیاپی مردم ایران را از حق زندگی و جوانی محروم کرده است. محمدی در نامه‌اش نوشته است: "حقیقت تلخ این است که حکومت خودکامه، زن‌ستیز و مذهبی جمهوری اسلامی زندگی را از ما ربوده است. اما در دو سوی دیوار زندان اوین که به اسارت‌مان گرفته است، ما منفعل نماندیم ... و از خلال جنبش انقلابی "زن، زندگی، آزادی" قدرت خود را به کل جهان نشان دادیم."

نرگس محمدی گفته است: با وجود زندان جمهوری اسلامی "ما هرگز مبارزه را ترک نکردیم. ما به مادران و پدران جهانی تبدیل شدیم و ارزش‌ها،

اشتیاق، عشق، قدرت و شور زندگی را در خود پاس داشتیم. ما زندگی حقیقی را بازآفرینی کردیم. ”
نرگس محمدی سپس گفته است که در این مقاومت برای صیانت از زندگی هر یک از ما ایرانیان به مخالفان رژیم اسلامی بدل شدیم.

نرگس محمدی در پایان نامۀ خود نوشته است :
“انتشار همین نامه [در روزنامۀ لوموند] نشان می‌دهد که صدای ما زنان آنقدر قدرتمند بوده که به گوش شما نیز رسیده است. پس شما نیز صدای ما باشید و پیام امید ما را به گوش دیگران برسانید. به جهانیان بگویید که ما بی دلیل پشت این دیوارهای [حصر و سرکوب] نیستیم و اکنون قوی تر از جلادانمان شده‌ایم که برای خاموش کردن جامعۀ ما از به‌کارگیری هیچ وسیله‌ای فروگذار نیستند. این صدا در جهان طنین خواهد انداخت.

متن و ترجمه بالا از سایت آراف‌ای (فرانسه) به تاریخ 6 اکتبر 2023 برگرفته شده است.

حمایت سازمان ملل از نرگس
محمدی



دبیر کل و کارشناسان سازمان ملل خواهان آزادی نرگس محمدی شده اند

آنتونیو گوترش، دبیرکل سازمان ملل، با انتشار بیانیه‌ای، اهدای جایزه صلح نوبل به نرگس محمدی را یادآور این موضوع دانست که حقوق زنان در ایران و دیگر نقاط جهان با مخالفتها و موانع جدی مواجه است.

آقای گوترش روز جمعه ۱۴ مهر در شبکه ایکس (توییتر سابق) همچنین نوشت که این جایزه ادای احترام به همه زنانی است که با به خطر انداختن «آزادی، سلامتی و حتی جان خود»، برای حقوقشان می‌جنگند.

از سوی دیگر، کارشناسان سازمان ملل ضمن استقبال از اعطای جایزه نوبل صلح به نرگس محمدی، فعال شناخته شده حقوق زنان که در ایران زندانی است، از حکومت جمهوری اسلامی خواستند تمامی افرادی را که به خاطر ترویج حقوق بشر زنان و دفاع از حقوق زنان و دختران در ایران زندانی شده‌اند، آزاد کند.

جاوید رحمان، گزارشگر ویژه حقوق بشر در ایران، دورثی استرادا-تنک، رئیس هیئت کارشناسان مستقل سازمان ملل در زمینه تبعیض علیه زنان و دختران و چهار عضو دیگر این هیئت در بیانیه مشترکی اعلام

کردند: «اعطای جایزه نوبل صلح ۲۰۲۳ به یک روزنامه‌نگار و فعال جسور حقوق زنان، تأکید بر مبارزه زنان علیه نظام‌های نهادینه تبعیض، تفکیک، تحقیر و محرومیت زنان در سراسر جهان است.»

کارشناسان سازمان ملل در بخش دیگری از بیانیه خود افزودند: «مدافعان حقوق بشر زنان که از حقوق بشر در داخل و خارج از ایران دفاع می‌کنند، به خاطر مقاومت و شجاعت خود باید مورد تمجید قرار گرفته و از سوی جامعه بین‌المللی حمایت شوند.»

به گفته آنها، بسیاری از مدافعان حقوق بشر در ایران، به «قتل» رسیده، «زندانی» شده و یا «مجبور به ترک کشور» شده‌اند، فعالیت‌های حقوق بشری که زنان پیشگام و رهبر آن بوده‌اند سرکوب شده و فعالان حقوق بشری که در ایران مانده‌اند و خانواده‌های آنها با خطرهای «امنیتی جدی» مواجه هستند.

کارشناسان سازمان ملل عزم و شجاعت زنان و دختران ایرانی را که به شیوه‌های مسالمت‌آمیز و خلاقانه به دفاع از حقوق خود ادامه می‌دهند، ستوده‌اند.

آنها در بخش دیگری از بیانیه خود گفتند: «زنان ایران کماکان از تبعیض و محدودیت در آزادی بیان و حضور در سطوح مختلف جامعه رنج می‌برند که زندگی آنها را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد. نمونه برجسته آن قوانین حجاب اجباری است که علاوه بر نقض حرمت انسانی و حق برابری زنان، روی امکان مشارکت آنها در زندگی اجتماعی به شدت تأثیر می‌گذارد.»

کارشناسان سازمان ملل در عین حال در مورد وضعیت مدافعان حقوق بشر زنان که به دلیل اعتراض به شرایط موجود زندانی شده‌اند ابراز نگرانی کردند.

در ادامه این بیانیه آمده است: «به نظر می‌رسد که هدف اصلی حملات، بازداشت‌ها و زندانی کردن مدافعان حقوق بشر زنان، مجازات و به سکوت وادار کردن آنهاست. در یک سال گذشته مدافعان حقوق مدنی و به خصوص فعالان جنبش زنان که خواستار پاسخگو کردن

حکومت در مورد جان باختن مهسا امینی در شهرپور
سال گذشته هستند، هدف اصلی این اقدامات
سرکوبگرانه بوده اند.»

متن فوق برگرفته از سایت اخبار روز - 7 اکتبر 2023 - 15 مهر
1402

تجلیل فدراسیون بین‌المللی حقوق بشر از اهدای جایزه صلح نوبل به نرگس محمدی



جایزه صلح نوبل ۲۰۲۳ به نرگس محمدی، فعال حقوق بشر ایرانی،
روزنامه‌نگار و سخنگوی کانون مدافعان حقوق بشر (DHRC)، یکی
از سازمان‌های ایرانی عضو فدراسیون (FIDH)، اعطا شد. این
چهارمین بار است که این جایزه به شخص یا سازمانی وابسته به

طول دوران زندان خود مورد حمله‌های جسمی و آزار جنسی قرار گرفته است.

عبدالکریم لاهیجی، رئیس افتخاری فدراسیون بین المللی حقوق بشر و رئیس جامعه دفاع از حقوق بشر در ایران (LDDHI) گفت: □

[illegible]

این چهارمین باری است که جایزه صلح نوبل به شخص یا سازمانی وابسته به فدراسیون بین‌المللی حقوق بشر (FIDH) اعطا می‌شود: آلس بیالاتسکی، نایب‌رئیس پیشین فدراسیون بین‌المللی حقوق بشر، که در حال حاضر در بلاروس در زندان است و دو سازمان عضو آن از روسیه و اوکراین، مموریال و مرکز آزادی‌های مدنی (CCL)، در سال ۲۰۲۲ این جایزه را دریافت کردند. شیرین عبادی، وکیل ایرانی، رئیس DHRC، و جامعه‌ی دفاع از حقوق بشر در تونس (LTDH)، عضو فدراسیون، به ترتیب در سال‌های ۲۰۰۳ و ۲۰۱۵ این جایزه را دریافت کردند.